

حکم انحلال جمعیت امام علی (ع) در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد

«جمعیت» در خط پایان



شهرزاد همتی:بالاخره «آنها» پیروز شدند و «جمعیت امام علی(ع)» روز سه‌شنبه، سوم خرداد، از تأیید حکم انحلال خود خبر داد. آنها همان کسانی هستند که در سال‌های گذشته تمام تلاش خود را در تضعیف نهادهای مدنی به کار گرفته‌اند؛ تا جایی که کهنه‌کاری همچون لیلار اشد، به‌عنوان اولین زنی که در حوزه اعتیاد زنان دست به فعالیت زد، عطای خانه خورشید خود را به لقایب بشید و به تعطیلی خودخواسته تن داد و جمعیت امام علی نیز ناخواسته به پایان راه رسید؛ مسئله‌ای که از آبان ۱۳۹۹ و با دستگیری شارمین میمندی نژاد، مؤسس جمعیت و دو نفر از اعضای داوطلب آن آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد. با توجه به توضیحات صالح نقره‌کار، وکیل جمعیت امام علی (ع)، به خبرنگار «شرق»، باید کار جمعیت امام علی را تمام‌شده دانست و تنها با ورود و تصمیم رئیس قوه قضائیه این نهاد مدنی از مرگ نجات پیدا می‌کند. در اطلاعیه منتشرشده از سوی جمعیت امام علی آمده است: «تغییر تیم قضات قبلی و صدور ناگهانی رای بدین شکل همراه با احضار تنی چند از اعضای جمعیت به دادسرای امنیت برای دفاع آخر و نیز نامه محرمانه وزارت کشور مبنی بر توقف خدمت‌رسانی‌های یک روز قبل از صدور حکم، همگی حکایت از حرکتی حساب‌شده و هماهنگ در راستای تضعیف نهادهای مدنی است.» حکم انحلال جمعیت امام علی که بیش از ۲۰ سال سابقه فعالیت دارد، در حالی با درخواست و شکایت وزارت کشور دولت حسن روحانی صادر شد که این نهاد مدنی در سال‌های اخیر در محلات حاشیه‌ای ۲۰ استان ایران خدمات حمایتی به شش هزار کودک و زن در زمینه آموزش، سلامت، اشتغال و معیشت ارائه کرده بود.

ماهیت تصمیمات اداری نبود

صالح نقره‌کار، وکیل جمعیت امام علی، در گفت‌وگو با «شرق»، توضیحاتی از وضعیت پرونده این نهاد مدنی ارائه کرد. وی با بیان اینکه موضوع انحلال جمعیت امام علی با دادخواست معاونت مشارکت‌های سازمان امور اجتماعی وزارت کشور، به دلیل آنچه انحراف از اساسنامه و عدم تمکین به تذکرات وزارت کشور مطرح می‌شد محقق شد، گفت: «این دادخواست در شعبه ۵۵ امور بین‌الملل مجتمع شهید بهشتی ثبت شد و متعاقب آن رای مبنی بر تأیید موارد مربوط به نقض اساسنامه توسط جمعیت امام علی صادر شد که مستند به بند ۱ ماده ۳۴ قانون شورای مربوط به سازمان‌های مردم‌نهاد و ماده ۳۴ آن درخصوص درخواست انحلال به مرجع قضائی بود. بر مبنای رای صادرشده، جمعیت را محکوم به انحلال کردند و این دادنامه از سوی وکلای جمعیت به دادگاه تجدیدنظر رفت. البته وزارت کشور به نوعی به صورت مداخله‌گرانه درخصوص ساختار و تشکیلات نهادهای مردمی و آن‌جی‌اوها حرکت می‌کرد و اصرار بر تغییر اساسنامه از هیئت‌مدیره‌ای به هیئت‌انمایی داشت تا به نوعی اعمال نظرات مراجع عمومی و اداری نسبت به مراجع عمومی و غیردولتی تثبیت شود و به نظرم این رویکرد مداخله‌گرانه شایان نقد جدی و اساسی است.»

نقره‌کار تصریح کرد: «این پیش‌فرض و انگاره که وزارت کشور و دبیرخانه شوراهای تخصصی مردم‌نهاد حسب تصمیمی که درخصوص جمعیت امام‌علی گرفته و انحلال آن را از قوه قضائیه خواستار شدند، با این توجیه در دادگاه مورد تأیید قضائی قرار گرفت که عدول از اساسنامه برای یک مرجع غیردولتی مصدافی از انحراف از اصول و قوانین حاکم بر آن تلقی شده و وزارت کشور به‌عنوان یک نهاد ناظر می‌تواند انحلال آن را از مرجع قضائی بخواهد. به نظر می‌رسد ماهیت این تصمیم هرچند اداری بود، اما صورت قضائی دارد و صرفا ادعای نهاد اداری نمی‌تواند مجرای برای انحلال قضائی باشد و برای همین به مرجع قضائی رجوع می‌شود که به صورت بی‌طرفانه و به دور از نگاه به مواضع سیاسی و اداری، به شیوه قضائی و عادلانه

روند قرار کارشناسی و پیگیری مراحل کارشناسی بودیم، دادنامه‌ای صادر شد که متضمن تأیید ادعاهای وزارت کشور بدون اتکا به قرار کارشناسی مستند به ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی بود و متأسفانه به نظر می‌رسد حق دادخواهی این جمعیت در این خصوص مورد توجه قرار نگرفته است. ما نیازمند این هستیم که به نقش نهادهای مدنی و جایگاه حکمرانی در نظارت بر نهادهای مدنی توجه کنیم. نهادهای مدنی نیازمند یک رویکرد حمایتی هستند. با برخورد‌های پلیسی و انتظامی نمی‌شود با نهادهای مدنی مواجه شد. نهادهای مدنی در وضعیتی که ایران در تعدد و تراکم و تلاقی بحران‌هاست، می‌توانند کمک‌های اثربخشی داشته باشند. اعتماد مردم به نهادهای مدنی از این جهت افزون است که به ساختار قدرت عمومی متصل نیستند و به صورت خیرخواهانه، داوطلبانه بارهای اجتماعی را به دوش می‌کشند و از این جهت جمعیت امام علی مورد توجه بسیاری از کنشگران غیرعمومی بود. به نظر می‌رسد ما با یک رویکرد مداخله‌جویانه در حوزه نهادهای مدنی در کشور مواجه هستیم و تقاضای اینجانب از تصمیم‌گیران و به‌خصوص آیین‌نامه‌نویسان وزارت کشور در جهت نظارت بر نهادهای مدنی، این است که با ملاحظه، نگاه تأمینی و پشتیبانی از نهادهای مدنی در این برهه به عمل آورند.»

این وکیل دادگستری در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان به تغییر این حکم امیدوار بود، گفت: «در این برهه که رای قطعی صادر شده است، باید از ریاست قوه قضائیه درخواست کرد تا مطابق ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری و مطابق با ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی در جهت اعاده دادرسی حقوقی، زمینه بازگشت جمعیت امام علی در جهت خدمتگزاری به خیر عمومی را فراهم کنند. رئیس قوه قضائیه و دادستان کل کشور در این خصوص نقش میرمی دارند برای اینکه جمعیت امام علی را مستقل از شخصیت حقوقی مدیران آن حفظ کنند؛ از این جهت که این نهاد مردمی تلاش‌های زیادی را در راستای کاهش آسیب‌های عمومی انجام داده است. از منظر حقوقی، موضوع انحلال جنبه اعلانی دارد و با این وضع در حقیقت مرگ جمعیت با این انحلال موفق می‌شود. با وجود این، امیدوارم رئیس قوه قضائیه به این موضوع ورود کرده و اجازه ندهند انگریز خیرخواهانه کسانی که با اقدامات داوطلبانه در جهت کاهش آسیب تلاش کردند، از بین برود». نقره‌کار همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا از روند رسیدگی به این پرونده راضی بودید، گفت: «به عنوان یک نوآموز حقوق می‌گویم اکیدا از روند دادرسی به پرونده جمعیت امام علی(ع)، چه در بخش اداری و چه بخش قضائی خرسند نیستم. من فکر نمی‌کنم حتی کسانی که در این راستا قدم برداشته‌اند، از نظر وجدانی این آسودگی را داشته باشند که کاری در جهت خدمت عمومی انجام داده‌اند. ما همیشه می‌خواهیم قانون در جهت خیر عمومی حرکت کند و وقتی از اعمال اقتدار قضائی استفاده کنیم، راهی برای منافع مردمی داشته باشیم نه اینکه با این اقدام، دری از درهای خدمت مردم را ببندیم. شورای ملی توسعه و حمایت از تشکل‌های مردم‌نهاد که می‌بایست نقش حمایتی خود را در این خصوص ایفا می‌کرد، برخلاف وظیفه خود در تضعیف این نهاد مدنی و به نوعی ایجاد تردید عمل کرد و من به‌عنوان یک شهروند رضایت خاطری از مجموعه اقداماتی که در این زمینه انجام شده است، ندارم.»

او همچنین درباره وضعیت پرونده اعضای جمعیت امام علی نیز گفت: «این پرونده یک بخش حقوقی و یک بخش کیفری دارد. بخش حقوقی آن راجع به شخصیت حقوقی جمعیت است و انحلال را شامل می‌شود. بخش دوم راجع به افراد است که جدا از شخصیت حقوقی جمعیت بوده و مربوط به شخصیت حقیقی کنشگران مدنی فعال در این حوزه است. در این بخش، ما با پرونده‌ای طرف هستیم که در شعبه دو بازرسی اداسرای امنیت تشکیل شده و در وضعیت دفاع آخر و مراحل نهایی تصمیم است. امیدوارم در تمام مواردی که کنشگران این حوزه در مظان اتهام قرار گرفته‌اند، منع تعقیب صادر شده و هیچ کنشگر مدنی‌ای احساس ترس از فعالیت در جهت حقوق عامه را نداشته باشد.»

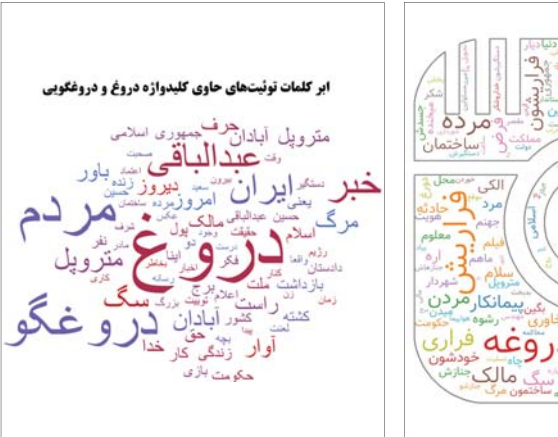
مرگ؟ بازداشت؟ یا فرار؟

کاربران رسانه‌های اجتماعی درباره سرنوشت حسین عبدالباقی مالک متروپل چه می‌گویند؟



کانادا فراری داده شده است. پراپک‌ترین کامنت‌های خبرگزاری فارس در این خصوص عبارت است از: «متهم گریخت»، «خسته نشدید از این همه اخبار متناقض» و «بسه دیگه این همه دروغ».

این بی‌اعتمادی گسترده به روایت رسانه‌های رسمی که حالا به مخاطبان خبرگزاری فارس نیز رسیده رنگ خطر جدی برای رسانه‌ها، مسئولین و سیاست‌گذاران رسانه‌ای کشور است. پیش از این نیز در گزارش دیگری راجع به تعطیلی هفته گذشته تهران به دلیل آلودگی هوا، همین یافته‌ها دیده شد. مردم فراموشکار نیستند و عملکرد مسئولین و رسانه‌ها را به خاطر می‌سپارند. وقتی رسانه‌های رسمی به نقل از مقامات خبر بازداشت فردی را می‌دهند و روز بعدش اعلام می‌کنند که آن فرد زیر آوار مرده است، طبیعی است که مردم نه این خبر که سایر اخبار مرتبط با این موضوع را نیز باور نکنند. بازسازی این ضرباتی که به اعتماد عمومی وارد می‌شود بسیار دشوار است.



ادامه از صفحه اول

بسیاری از کاربران خیر مرگ عبدالباقی را باور نکردند و معتقد بودند این‌ موضوع برای سرپوش‌گذاشتن بر مفاسد او بوده است. برای مثال در تویتتر، با بررسی تویت‌های حاوی کلیدواژه‌های «دروغ» و «دروغگو»، این مطلب آشکار می‌شود که این تویت‌ها عمدتا راجع به عبدالباقی مالک متروپل آبادان بوده و میان تکرار کلمه دروغ با نام حسین عبدالباقی ارتباطی آشکار وجود دارد. همان‌گونه‌که در تصویر نیز مشخص است، در تویت‌هایی که واژه دروغ به کار

رفته، نام عبدالباقی و متروپل آبادان پررنگ بوده است.

اما واکنش‌ها درخصوص سرنوشت عبدالباقی و قضاوت کاربران رسانه‌های اجتماعی به تویتتر محدود نبود. در اینستاگرام نیز بسیاری از رسانه‌ها خیر مرگ او را منتشر کرده بودند. صفحات اینستاگرامی خبرگزاری فارس و بی‌بی‌سی فارسی، به‌عنوان دو صفحه‌ای که رویکرد سیاسی کاملا متفاوتی دارند و مورد توجه گروه‌های مختلف مردم قرار می‌گیرند، از جمله این رسانه‌ها هستند. در کامنت‌های این خبر در صفحه بی‌بی‌سی فارسی، کلمات دروغ، دروغه، فرار، فراریش و کانادا بیشترین تکرار را داشته است که نشان می‌دهد مخاطبان این صفحه، نه‌تنها مرگ عبدالباقی را باور نکرده‌اند بلکه بسیاری از آنها معتقدند که او را فراری داده و مقصد او را نیز کانادا حدس زده‌اند.

این‌ موضوع اما محدود به کامنت‌های صفحه بی‌بی‌سی فارسی نبود. در کامنت‌های اینستاگرام خبرگزاری فارس نیز شاهد تکرار چنین محتوایی بوده‌ایم. اگرچه رویکرد سیاسی خبرگزاری فارس کاملا متفاوت از بی‌بی‌سی فارسی است اما در آنجا نیز مخاطبان فارس خیر مرگ عبدالباقی را باور نکرده‌اند. ابرکلمات کامنت‌های این خبر نشان می‌دهد که در آن کامنت‌ها نیز کلمات دروغ، دروغه، فرار، فراریش و کانادا از جمله بیشترین کامنت‌ها بوده است.

تروع و گستردگی مخاطبانی که راجع به سرنوشت عبدالباقی نوشته‌اند، این اجازه را به ما می‌دهد تا بتوانیم این نظرات را به عموم جامعه و مردم تعمیم دهیم. به نظر می‌رسد که بسیاری از مردم روایت رسانه‌های رسمی راجع به سرنوشت عبدالباقی را باور نکرده‌اند. آنها بر اساس تجربه‌های پیشین و نفوذ و روابطی که عبدالباقی داشته، قبول ندارند که او مرده است. عجیب‌تر آنکه به‌طور مشترکی مخاطبان فارس و بی‌بی‌سی فارسی حدس می‌زنند که او به